

الگوهای رفتاری حضرت زینب

حسن خلجی^۱

چکیده

حضرت زینب علیها السلام از جمله زنان نادری است که بیشترین بهره را از نور امامت برد و توانست خود را به عالی‌ترین درجه‌های کمال و صفات پسنندیده برساند و شایستگی هدایت در حساس‌ترین مرحله زمانی را به دست آورد. برررسی مراتب کمال حضرت زینب علیها السلام و الگو فرار دادن آن حضرت از برترین عوامل تربیت صحیح و خودسازی است که مفهوم زندگی پویا و حقیقی را به زنان امروز می‌آمورد. این نوشتار، به معرفی اجمالی فضایل بی‌شمار این بانوی بزرگوار می‌پردازد تا تحصیل علم و دانش، تقوی و عبادت، استقامت و پایداری، حجاب و عفاف، صبر و شکیبایی و شجاعت.

کلیدواژه: زینب علیها السلام، الگوهای رفتاری، صبر، حجاب و عفاف، پایداری.

* دانش یزد، کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در تاریخ جامعه انسانی، الگوهای جاویدانی ظهور کرده‌اند که پرتو فصایلشان فروغ هدایت بشر در رسیدن به قله‌های رفیع انسانیت است؛ مجاهدانی که اندیشه ژرف آنان ریشه در اعماق الوهیت و ابدیت دارد. یکی از این بزرگان، حضرت زینب علیها السلام است.

زن مگو خاک درش، نقش جبین زن مگو دست خدا در آستین^۱
وی از زنان نادری است که از فروغ جاودان نور امامت بهره بسیار برد. او توانست خود را در کمال و صفات پسندیده، به والاترین درجه برساند و شایستگی هدایت بشر را در حساس‌ترین زمان بر عهده بگیرد.^۲

بررسی این الگوی کامل، از برترین عوامل تربیت صحیح و خودسازی است که مفهوم زندگی پویا و حقیقی را به زنان امروز می‌آموزد و زمینه رشد معنوی آنان را فراهم می‌سازد.

زن در تاریخ

در میان اقوام گذشته، زن، موجودی طفیلی بود که فقط برای کار کردن و فراهم بودن زمینه لذت بردن مردان آفریده شده بود و مرد، جس برتری بود که برای انجام هرگونه بدرفتاری مجاز بود. زن قدرت دفاع از خود را نیز نداشت.

در طول تاریخ، ظلم‌های فاحش و فجیعی در حق زن شده است؛ چه بسیار زنانی که در پای خدایان سنگی قربانی شدند، چه بسیار دخترانی که بدن نازکشان زیر خاک جهل‌پرستی پوسید، چه بسیار زنی که با شوی مرده خویش در خاک مدفون شدند، چه بسیار زنان شوی از دست داده‌ای که اندوه تنهایی و بار سنگین حفظ زندگی را بر دوش کشیده‌اند.^۳

با ظهور دین اسلام، این اندیشه و منش، جایگاه خود را از دست داد. اسلام نقش زن را در نظام تعلیم و تربیت نمودار کرد و نشان داد که زن، محور آفرینش است و کمال

مرد را رقم می‌زند. آیین پیامبر خاتم بر این نکته تأکید دارد که زن در بر آورد نیازهای انسانی و اجتماعی خویش با مرد یکسان است و می‌تواند مستقلاً تصمیم بگیرد و مستقلاً عمل کند و مالک دستاوردهای خود باشد.^۴ در این دیدگاه، رسالت زن، دستیابی به مقام والای انسانی است، به گونه‌ای که بتواند در سر نوشت خود دخالت کند.^۵

با محدود شدن اندیشمندان اسلامی و روی کار آمدن حکام بی‌لیاقت، جوامع مسلمان از یورش فرهنگی دشمنان، به ویژه استعمارگران غربی تأثیر گرفت و باورها و ارزش‌های اصیل و انسان‌ساز اسلام، جای خود را به فرهنگ بی‌هویتی و مادی داد، به گونه‌ای که گوهر آفرینش انسان، کالایی برای سودجویی در صایع غیر اخلاقی شد. ستم به زن، غم‌نامه‌ای تاریخی - جهانی شد و در این برهنگی فرهنگی، زن را به پایین‌ترین قیمت به حراج گذاشتند. جبران خلیل جبران در این باره می‌گوید: «زن را دیدم، همچون سازی در دستان مردی که خوب نواختن را نمی‌داند. پس چگونه نغمه برآمده از ساز، خوشایندش تواند بود؟!»^۶ و در جای دیگر می‌گوید:

آزادی را دیدم که به تنهایی در پس‌کوچه‌های شهر راه را می‌پیمود؛ حلقه بر هر دری می‌کوفت و پناه می‌جست و کسی پدشخ را نمی‌داد، درحالی‌که «ابتذال» با هیبت و شکوه بسیار در حرکت بود و مردمان آزادی‌اش می‌نلغیدند.^۷

در مقابل این یورش گسترده فرهنگی که مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی} آن را «ناتوی فرهنگی» خواندند، همواره زنانی بوده‌اند که با الهام از بزرگان تاریخ، در صحنه حضور داشتند و با پیروی از بانوان بزرگ دین، به ویژه از شخصیت‌های بزرگی چون حضرت زهرا^{علیها السلام} و زینب کبری^{علیها السلام} بهره جستند، به دفاع از حریم انسانیت پرداختند و خود و جامعه را از سقوط و نابودی نجات دادند. رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی^{علیه السلام} درباره آنها فرمود:

زنان مادر عصر پهلوی، مصیبت‌های زیادی را تحمل کردند. در رژیم

پهلوی آن ظلمی که به بانوان محترم ایران شد، به مردها آن ظلم نشد؛ بانوانی که مقید بودند به اینکه بر طبق اسلام عمل کنند و موافق آنچه که اسلام امر کرده است، زی خودشان را قرار بدهند.

در آن رژیم در زمان رضاشاه به وضعی و در زمان محمدرضا به وضع دیگر. زمان رضاشاه - که من یادم است و خوب است که شما یادتان نیست - آنچه بر بانوان گذشت، قبل توصیف نیست. آن ظلمی که بر این قشر از ملت در آن دوران گذشت، نمی‌شود بیان کرد. آن فشاری که بر اینها وارد شد و آن مصیبت‌ها که اینها تحمل کردند در زمان آن شاه فاسد، نمی‌شود گفت که چه اندازه بود.

در زمان محمدرضا، آن عصر و آن وضع تبدیل شد به یک وضع دیگر که عمق جنایت زیادتر بوده از زمان او. او با قلدری و فشار و زدن و گرفتن و چادر پاره کردن و دست به گیس‌های زنها گرفتن و کشاندن و اینها گذرانند و این اساساً بر خلاف عفت زنها قیام کرد؛ یعنی بر خلاف همه چیز ایران، یکی‌اش هم زنهای ایران بودند که این‌ها با یک وضع خالصی و با یک توطئه خاصی این‌ها را می‌خواستند که به فساد بکشند و عفت را از جلعه ما بردارند و به حمدالله، بانوان ایران مقاومت کردند و چیز یک دسته‌ای که جزو دارودسته خود آنها بودند و غریب‌زده بودند و با رژیم او مناسب بودند، سایر خواهرها مقاومت کردند.^۹

این زنان بافصیلت، ثابت کردند که در بدترین شرایط نیز می‌توان با الهام از الگوهای راستین، به سوی کمال گام برداشت و سعادت‌مند شد. زن امروز اگر با زندگی حضرت زینب علیها السلام و ملائکه‌های ارزشی ایشان آشنا شود، می‌تواند خود را به گستره معرفت و اندیشه اسلامی برساند و همزمان با حضور در صحنه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، پاکدامنی خود را نیز حفظ کند.

۱. تحصیل دانش

قرآن کریم در مورد اهمیت آموختن دانش می‌فرماید: «... يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...»^{۱۰} ... خداوند متعال مقام اهل ایمان و دانشمندان را رفیع می‌گرداند...»
در این آیه مبارکه، دانشی منظور است که سبب نورانی شدن دل و رشد معرفت انسان به خدا و حقیقت عالم گردد.

دانشی که انسان از درس و مدرسه به دست می‌آورد، اکتسابی است و علمی که از راه تزکیه، تهذیب نفس و عاریت الهی به دست می‌آید، علم خداوندی است. جوشش و بیداری این دانش، از دل است و تا زمانی که دل از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها پاک نگردد، نصیب انسان نمی‌شود. رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «من أخلص لله أربعين يوماً فاجر الله بينابيع الحكمة من قلبه على لسانه»^{۱۱} کسی که چهل روز، خود را برای خدا خالص کند، خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می‌کند». حضرت علی(ع) در این مورد می‌فرماید: «تعلم علما: مطبوع و مسروع و لا ينفخ المسروع إذا لم يكن المطبوع»^{۱۲} علم بر دو گونه است علم مطبوع (طبیعی و فطری) و دیگری علم مسروع (اکتسابی) و این علم سرد نهد، هرگاه با علم مطبوع (فطری) نباشد»^{۱۳}

مولوی نیز در این باره می‌گوید:

علم تقلیدی و بال جان ماست عاریه است و ما نشسته، کان ماست^{۱۴}

و در جای دیگر می‌گوید:

عقل دو عقل است؛ اول مکسبی که در آموزی چو در مکتب صبی
عقل دیگر بخشش یزدان بود چشمه آن در میان جان بود

از درون خویشش جو چشمه را تا رهلی از مت هر ناسزا^{۱۴}
حضرت زینب(ع) از کودکی به تحصیل علم و تهذیب نفس پرداخت. ایشان در مدت ۲۵ سال خانه‌نشینی پدرش، از دانش و بیس بی‌کران پدر بزرگوارش بهره‌ها برد

و در جوانی، فقیهی دانشمند و پرهیزگار گردید. به دلیل ویژگی‌های والای معوی و خلوص و طهارت بی‌ماند، صاحب علم لدنی شد. دامه و ژرفای دانش زین کبری^{۱۳} چنان بود که امامان معصوم نیز این ویژگی ایشان را می‌ستودند. امام سجاده^{۱۴}، زین کبری^{۱۵} را دانشمندی فهیم معرفی کرده و خطاب به آن بانوی بزرگ می‌فرمود: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ وَ فَهِيَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ»^{۱۶} سپاس خدای را که شما دانشمندی بدون معلم هستید...»

مقام علمی و معوی آن بانو بدان اندازه رسید که امام حسین^{۱۷}، نیابت امامت را در کربلا به دلیل بیماری امام زین العابدین^{۱۸} به ایشان سپرد.^{۱۹} شیخ صدوق می‌نویسد: «حضرت زینب^{۲۰} نیابت خاص از طرف امام حسین^{۲۱} به عهده داشت و مردم در مسایل حلال و حرام به او رجوع می‌کردند تا زمانی که امام زین العابدین^{۲۲} از بیماری خلاصی یافت». آموختن دانش همراه با پرهیزگاری، از مهم‌ترین ویژگی‌های حضرت زینب^{۲۳} است که می‌تواند الگوی مناسبی برای ره‌پویان دانش و اندیشه باشد و بی‌شکی به زن می‌بخشد که با آن می‌تواند به تربیت صحیح فرزندان پردازد و در هنگامه‌های سرنوشت‌ساز، تصمیم‌های مناسبی بگیرد.

امام خمینی^{۲۴} درباره اهمیت علم‌آموزی برای زنان می‌فرماید:

از شماست که مردان و زنان بزرگ تربیت می‌شود در دامن شما مردان و بانوان بزرگ تربیت می‌شود. شماها عزیز ملت هستید، پشتوانه ملت هستید، شماها در تحصیل کوشش کنید که برای فضایل اخلاقی، فضایل اعمالی مجهز شوید. شما برای آئینه مملکت ما جوانان نیرومند تربیت کنید، دلمان شما یک مدرسه‌ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت شود. شما فضایل تحصیل کنید تا کودکان شما در دلمان شما به فضیلت برسند.^{۲۵}

۲. پرهیز و پرستش

یکی از مهم‌ترین وسیله‌ها برای تقرب به درگاه پروردگار و رسیدن به کمال، پرستش و

بدگی اوست. هرآن کریم هدف آفرینش را پرستش دانسته و می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ
 الْإِنْسَ وَالْإِنْسَ إِنَّا لَنُعْبِدُونَ»^{۱۸} نیافریدیم جن و انس را جز برای آنکه مرا بپرستند»
 البته پرستش خداوند، فقط به خواندن نماز و انجام سایر عبادت‌های بدنی و مالی
 نیست. معای عبادت چنانچه دانشمندان لغت‌شناس گفته‌اند،^{۱۹} نهایت خصوع و تسلیم
 و اظهار ذلت در پیشگاه خدای تعالی است که نماز و روزه و سایر اعمال، نمونه‌هایی از
 آن مفهوم کلی و راهی برای رسیدن به آن مقام عالی است که به دستور شارع مقدس
 و رهبران اسلام باید انجام داد.

پرستش خداوند متعال، دو جنبه دارد؛ جنبه انجام و جنبه ترک. همان‌گونه که برای
 مداوای بیمار، برهیز از غذای زیان‌آور، مهم‌تر از انجام کارهای لازم و خوردن دارو
 است، برای رسیدن به کمال انسانی و هدف آفرینش نیز ترک گناه مهم‌تر از انجام
 عبادت‌های بدنی است. از این رو، در روایات آمده است: «أَنْ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعُ»^{۲۰}
 سخت‌ترین عبادت، ورع و پارسایی از گناه است» و یا فرموده‌اند «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ»^{۲۱}
 بهترین عبادت‌ها پاکدامنی و پارسایی است»^{۲۲}

حضرت زینب علیها السلام در خانه‌ای پرورش یافت که عبادت، جوهر و زیست زندگی بود
 و شخصیت آن حضرت در فضای ملکوتی خانه‌ای باصفا و نورانی شکل گرفت؛
 آن‌گونه که نماز می‌ایستاد که گویی حضرت فاطمه علیها السلام به نماز ایستاده است و چنان ناله
 سر می‌داد که یاد پدر را در خاطره‌ها زنده می‌کرد و در شب زنده‌داری و سجده‌های
 طولانی، با برادران خویش هم‌آوردی می‌کرد.^{۲۳}

نیشابوری گفته است: «زینب علیها السلام در پارسایی و فصاحت و بلاغت همانند پدرش علی علیه السلام و
 مادرش فاطمه علیها السلام بود»^{۲۴}

بیرجندی در کبریة احمر می‌گوید: «تعالی علوم انسانی»
 قال لمام سجادة علیها السلام، ان عمتی زینب مع تلک المنصائب و المحن اننا نزلت بها
 فی طریقنا الی الشام ما ترکنا نوافلها الی الیوم.^{۲۵}

امام سجاده علیه السلام فرمود: عمام زینب علیها السلام با تمام مصیبت‌هایی که بر او وارد

شده بود، از کربلا تا شام، هیچ‌گاه نوافل خود را ترک نکرد.

و نیز روایت کرده‌اند که چون امام حسین علیه السلام برای وداع، نزد زینب علیها السلام آمد، به ایشان فرمود: «یا اُختاه، لاتسینی فی صلاة اللیل: ^{۲۶} خواجه جان، مرا در نماز شب فراموش نکن.»

آن بانو هرگز دعا، حاجات و تلاوت قرآن را ترک نکرد و به دیگران نیز سفارش می‌کرد. در سخنان حضرت زینب علیها السلام آمده است که می‌فرمود: «از خدا به خاطر [!] قدرتی که بر تو دارد بترس و به خاطر [!] نزدیکی او به تو حیا کن.» ^{۲۷}

علامه مامقانی درباره روح و عفاف آن حضرت می‌گوید:

او فریده زمان بود. احدی از مردان از زمان کودکی و دوران زندگی پیمبر، پدر و برادران تا واقعه کوفه او را ندیده بودند و البته وی در همه امور، حتی در صبر و مقاومت و قوه ایمان و تقوی، وحیده زمان بود. ^{۲۸}

یحیی مازنی می‌گوید: «من در مدینه بودم و مدت طولانی در همسایگی حضرت علی علیه السلام می‌زیستم. سرگند به خدا در این مدت هرگز حضرت زینب علیها السلام را ندیدم و صدایش را نشنیدم.» ^{۲۹}

۳. پایداری

تاریخ، گواه غم‌ها و مصیبت‌های فراوانی است که بر حضرت زینب علیها السلام وارد شده است. رحلت جد بزرگوارش پیامبر اسلام، شهادت مادر فداکارش حضرت صدیقه کبری علیها السلام و برادر صبورش، امام حسن مجتبی علیه السلام از اراده او فولاد آبدیده‌ای ساخت که در کارزار کربلا به کار آمد و بدین‌سان، دیوان زندگی زینب کبری علیها السلام مشوی رنج‌سئیر و ترجیع‌بند حدیث مظلومیت و ترکیب‌بند مقاومت و قصیده زیبایی و رهایی است که شاهیت غزل آن این است که «ما رأیت الا جمیلاً» هر آن‌چه دیدم زیبا بود» ^{۳۰}.

امام سجاده علیه السلام درباره مقاومت و پایداری زینب علیها السلام می‌فرماید:

أَصَلَّى مِنْ جُلُوسٍ ثَلَاثَةَ أَجْرَعٍ وَ أَضْعَفَ مِنْذُ ثَلَاثِ لَيَالٍ، لِأَنَّهَا كَانَتْ تَقْسِمُ مَا يَصِيبُهَا مِنَ الطَّعَامِ عَلَى الْإِطْفَالِ لِأَنَّ الْقَوْمَ كَانُوا يَدْفَعُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا رَغِيفًا وَاحِدًا مِنْ الْخُبْزِ فِي الْبَيْتِ وَ اللَّيْلَةَ.^{۲۲}

در سفر اسارت، از کوفه تا شام بارها شاهد بودم که عمه ام زینب علیها السلام غذای خود را بین کودکان تقسیم می کرد و خودش از شدت گرسنگی و ضعف، نماز شب را نشتسته می خواند و در ایام سفر هیچ گاه نماز شب او ترک نشد. شیخ شوشتری می فرماید: «اگر حسین علیه السلام در صحنه کربلا، یک میدان داشت، حضرت زینب علیها السلام دو میدان نبرد داشت؛ میدان نبرد اولش ابن زیاد و دومی مجلس یزید پلید».^{۲۳} حضرت زینب علیها السلام زنی شجاع، مدیر و لایق رهبری شرایط سخت و طاقت فرسا بود که بحران پس از واقعه کربلا را به خوبی مدیریت کرد.

۴. حجاب و عفاف

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسٍ لِقَوْمٍ ذِكْرًا خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ تَعَالَى يَذُكُّرُونَ.^{۲۴}

ای فرزندان آدم، نپلی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست، لبا لباس پرهیزکاری بهتر است. اینها (همه) از آیات خداست تا متذکر (نعمت های او) شوند.

مهم ترین عامل سستی بیان خانواده و بی نیاتی دل ها، پدیده بی حجابی و بدحجابی است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ لِيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا بِتُجْرَتِهِنَّ أَوْ بَأْبَائِهِنَّ...^{۲۵}

به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آورد) فروگیرند و دلمان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است، آشکار

نمایند و (لطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند.

دستور حکیمانه خداوند درباره پوشش و رعایت حریم افراد به ویژه زنان باایمان، نه برای محدودیت، که با هدف ایجاد مصونیت، فراهم کردن آرامش روانی، استحکام پیوندخانواده، استواری اجتماع و پاسداشت حرمت مقام والای انسانیت است.

زیب کبری[ؑ] بانویی سرشار از بیش و بصیرت بود که با سیره و سخن خود فرهنگ برهنگی^۱ و «برهنگی فرهنگی»^۲ درروز و امروز را مورد تعرض قرار می‌دهد و با این کار، الگویی ماندگار از شخصیت خویش به یادگار گذارد و معیارهای حرکت ارزشی و ضد ارزشی را برای همیشه ترسیم کرد.

وی با الهام از پیام آسمانی قرآن و طبق آموزه‌های مادر، حجاب و عفاف را مانند گوهری ارزشمند برای زن مسلمان می‌دانست و بر این باور بود که زن، هنگامی به خدای خود نزدیک‌تر است که خود را در صدف حجاب، حفظ نماید.

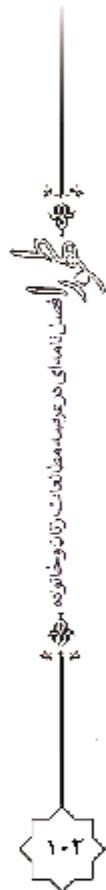
حضرت زیب[ؑ] در دامان مادری پرورش یافت که برای دفاع از حریم ولایت و حجت خدا با دشمنان به گونه‌ای رو در رو می‌شود که سرپایش را حجاب و عفاف فراگرفته است؛ مادری که وصیت می‌کند پیکرش را در تابوتی دیواردار بگذارند تا حجم بدنش از چشم نامحرمان پوشیده بماند. صفات برجسته این مادر در مراحل مختلف زندگی زیب کبری[ؑ] آشکار می‌شود و با آن فداکاری‌ها در راه اسلام، کوچک‌ترین لطمه‌ای به شخصیت او وارد نمی‌شود. این بانوی بزرگوار برای پاسداری از مرزهای عفاف، بر سر یزید فریاد برمی‌آورد:

أَمِنْ أَعْدَلِ يَابَنِ الْأَطْلُقَاءِ تَخْدِيرِكِ لِمَاءِكِ وَ نِسَاءِكِ وَ سَوَاقِكِ بِنَاتِ رَسُولِ

الله سبایا؟ قد هتکت ستورهن، و ابدیت وجوههن^{۳۴}

آیا این از عدالت است که زنان و کنیزان خویش را پشت پرده بنشانی و

دختران رسول خدا^ﷺ را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب



چهره آنها را دریدی و صورتهای آنها را آشکار ساختی.

دکتر بنت الشاطی در کتاب *زینب* بانوی قهرمان کربلا می نویسد:

مراجع تاریخی در وصف رخسارش ساکت است و از آن ایام چیزی به ما

نمی گوید؛ زیرا ایشان در حجاب خویش منور بوده و جز از پشت پرده، نظاره بر

او ممکن نبوده است و این خود، درسی است برای علاقمندان و پیروان وی.^{۳۷}

نتیجه، اینکه زنان با الهام از این بانو می توانند با پوشش مناسب در جوامع، مشغول

کار و فعالیت باشند.

۵. صبر و شکیبایی

موضوع شگفت‌انگیز صبر و شکیبایی، فقط یک موضوع اخلاقی نیست که

دارنده آن، از یکی از اوصاف اخلاقی فقط، بهره‌ور بوده باشد. این پدیده

روانی، مشکلات بسیاری را در مقابل خود محو و نابود می‌سازد و موفقیت‌های

شایملی نصیب صابر و بردبار می‌کند. صبر، اگر آگلهانه در روان انسانی پدید

آید، ملکیت انسان را به شخصیت خود افزایش می‌دهد؛ زیرا در بردباری

خود آگلهانه، روح، عانی‌ترین مقاومت را در مقابل هجوم انگیزه‌ها و عوامل

ناخودآگاه نشان می‌دهد. قهرمانان سازنده تاریخ بشری در هر وضع مخصوصی

هم که قرار داشتند، در این موضوع مهم شرکت داشتند که همه آنها بردبار و

متحمل بودند.^{۳۸}

اهمیت کار صابران الهی به قدری است که خداوند بر آنان درود می‌فرستد و آنها را

مورد عایت و رزق خود قرار می‌دهد: «اُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَاُولَئِكَ هُمُ

الْمُهْتَدُونَ»^{۳۹} درود خداوند بر آنان (بردباران) باد و آنان هستند که هدایت یافته‌اند.»

صبر، مقامی الهی است که دارندگان ایمان استوار از آن برخوردار می‌شوند. بین

ایمان و صبر رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هر کس ایمان قوی‌تری داشته باشد، صبر

و رضای او در برابر حوادث و مشکلات بیشتر است.

حسرت زیب علیه السلام الگویی تمام‌نمای صبر است؛ زیرا در برابر سخت‌ترین شرایط طاقت‌فرسا سر تسلیم و رضا در برابر خداوند فرو می‌آورد و بردباری را پیشه می‌سازد و شگفتی همگان را برمی‌انگیزد.

امام سجاده علیه السلام درباره صبر عمه‌اش زیب علیه السلام می‌فرماید:

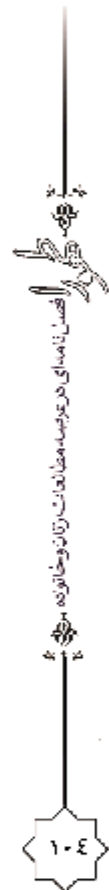
وقتی وارد گردال قتلگاه شدیم و چشم من به بدن‌های قطعه‌قطعه پدرم و یاوران لو افتاد، سینم‌ام دچار تنگی شد و حائلی به من دست داد که نزدیک برد روح از بدنم پرواز کند. در این حال، عمه‌ام وقتی نگرانی مرا دید گفت: «هائی اراک! تجرد بنفسک... ای یادگار جد و پدر و برادرانم، این چه حائلی است که در تو مشاهده می‌کنم؟ چرا با جان خود بازی می‌کنی؟ غمگین مباش و بی‌تابی مکن! به خدا سرگند، این پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله با خداست»^{۲۰}

صبر این بانوی بزرگوار، سکوت عدالت را شکست و ضمیر خاموش بشر را روشن کرد و تعجب فرشتگان را برانگیخت. تاریخ فراموش نمی‌کند هنگامی که این بانو وارد قتلگاه می‌شود و بیکر برادرش را پیدا می‌کند؛ دست‌ها را زیر بدن مبارک امام علیه السلام قرار می‌دهد و آن را تا محاذی سینه بالا می‌آورد و با کمال ادب و رضایت رو به آسمان می‌کند و می‌گوید: «اللهم تقبل منا هذا القربان».

۶. شجاعت

شجاع، فقط آن کسی نیست که در میدان جنگ، دلیرانه بجنگد و ترسی به دل راه ندهد. بسیاری از جنگاوران تاب بلا و مصیبت را ندارند و توان خود را از دست می‌دهند. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَشَجَعُ النَّاسِ مَنْ ثَلَبَ مَوَاهٍ»^{۲۱} شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غالب شود.

باین شجاع، آن کسی است که نور توفیق الهی بر دلش تابیده و از بد هوس رسته باشد. کسی که به این مقام برسد، بدون هراس و تردید در مسیر حق پرتوافشانی می‌کند. این همان جنبه عملی اخلاق است که به جریان انداختن وجدان آزاد در صداقت،



حکمت، عفت، شجاعت و خرد را مانند چیزی از مجمرع اجزای پیکر انسانی دیدن، می‌باشد.^{۶۲}
 حضرت زینب علیها السلام در حادثه کربلا، نه فقط ایمانش ضعیف نشد، بلکه توان قلبی‌اش به برکت اتصال به خداوند، دلیرترین مردان را حیرت‌زده کرد. وی زمانی شجاعت خود را بروز داد که حکومت ستمکار بی‌امیه، مهر خاموشی بر دهان همه زده بود و پس از امام حسین علیه السلام، هیچ‌کس یارای مبارزه علی با حکومت یزید را نداشت.
 در چنان خفقانی، زینب علیها السلام بود که نگاهبان آیین خدا روی زمین و نمونه روشن و آمر به معروف و ناهی از مکرر، افشاگر فساد حاکمان جور و پاسدار خون حسین و یاران او شد. وی در دو مجلس کوفه و شام، این قدرت را به نمایش گذاشت؛ با بی‌اعتنایی وارد مجلس این‌زید شد. این‌زید پرسید: «این زن کیست؟» زینب، جوابی به او نداد. وی برای تحقیر حضرت گفت: «ستایش خدای را که شما را رسوا کرد و شما را کشت و سخن‌های دروغتان را نمایان کرد». ایشان در پاسخ فرمود:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَكْرَمَنَا بِرَبِّيْهِ مُحَمَّدٍ وَ طَهَّرَنَا مِنْ اِلْرَجْسِ تَطْهِيرًا اِنَّمَا يَفْتَضِحُ
 الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا.^{۶۳}

ستایش خدای را که ما را با پیمبری چون محمد صلی الله علیه و آله گرامی داشت. بدان که فاسق، رسوا شد و دروغگو، لسان نلیکار است که آن‌هم غیر از ما (خاندان نبوت) است.

این سخن، رو در روی نماینده حاکمی ستمکار است. زینب علیها السلام در حضور حاکم ستمکار نیز با عزت و شهادت به مبارزه می‌پردازد و می‌فرماید:

ای یزید، سلطنت، انسلت تو را از بین برده است. تو اهل عذاب آخرتی. تو کسی نبوده‌ای؛ «یا بن اطلقا» آزادشده جدمن، رسول خدا. نفرین‌ها بر تو باد! ارزش تو را بسیار پست و ناچیز می‌دانم. تو را سرزنش‌ها و نکوهش‌های بسیار و کوبنده می‌نمایم. تو با دین رسول خدا مبارزه می‌کنی، اما بدان اگر تمام تلاش‌هایت را به کار بگیری، دین ما از بین نمی‌رود و تا ابد باقی خواهد ماند.

لما تو نابود خراهی شد.^{۶۴}

این شجاعت حضرت زینب (ع.ا.س)، یزید را که سرمست پیروزی خیالی خود بود، به ذلت کشاند و او را پشیمان نمود. مردم نیز چهره پلید یزید را به خوبی شناختند. سرچشمه این قدرت زینب، ایمان به خداست و لسان مؤمن دارای عزت و شوکت برده و ذلت در او راه ندارد.^{۶۵}

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيُخَشَوْنَ اللَّهَ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا.^{۶۶}

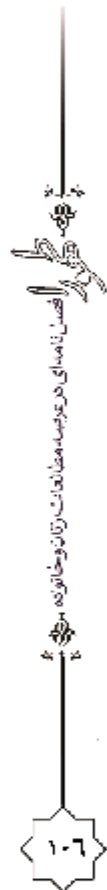
کسانی که پیامهای خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز او نمی‌ترسند، خدا برای حساب کردن اعمالشان کافی است.

نتیجه

رسالت زن، دستیابی به مقام والای کرامت و انسانیت است، به گونه‌ای که بتواند در سرنوشت خود و جامعه دخالت کند. امروزه با پورش فرهنگی دشمنان، به ویژه استعمارگران غربی، گوهر آفرینش انسان کالایی برای استفاده‌های غیراخلاقی شده است. ستم و تبعیض نسبت به زن، غم‌نامه‌ای تاریخی و جهانی شده و زن با پایین‌ترین قیمت، به حراج گذاشته می‌شود.

برای رهایی از این برهنگی فرهنگی و بازگشت زن به شخصیت و کرامت واقعی و حرکت در مسیر کمال و پیشرفت، الهام گرفتن از الگوها ضروری می‌نماید.

یکی از بافصلیت‌ترین این الگوها، حضرت زینب (ع.ا.س) است؛ زن آزاده‌ای که در سخت‌ترین شرایط ظلم و جور و فساد، تأثیر چشم‌گیری بر جامعه گذاشت و پایه‌های ستم و بی‌عدالتی را ویران کرد. علم‌آموزی، پایداری، حجاب و عفاف، صبر و شکیبایی و شجاعت، مهم‌ترین ویژگی‌های این بانوی بزرگوار است که زنان امروز می‌توانند با الهام از آنها به سعادت و کمال برسند.



بی‌نوشت‌ها

۱. عمان سامانی، گنجینه اسرار و قصائد عمان سامانی به ضمیمه اشعار وحدت کرمشاهی.
۲. اسماعیل نساهی زاده، اشهدای از کمالات معنوی حضرت زینب(س).
۳. محبوبه زارعی، چهره زن در شعر انقلاب.
۴. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۷۱.
۵. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۲۵.
۶. حیران خلیل حیران، اشک و لیخند، ص ۳۴.
۷. همان
۸. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۶۲. (بیانات امام خمینی(ره) در جمع گروهی از بانوان عضو مکتب اسلامی قم و مسجد جامع نارمک، ۶۳/۱/۱۹).
۹. مجادله: ۱۱
۱۰. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۰۱.
۱۱. تصحیح ابلاغه، نسخه صحیحی اصلاح، کلام ۳۳۸.
۱۲. به نقل از: هشتم رسولی محلاتی، نگاهی کوتاه به زندگی فردی زینب کبری(س)، ص ۲۶.
۱۳. حلال‌الدین محمد مولوی، شوی معنوی، دفتر دوم، بیت ۲۳۲۷.
۱۴. همان
۱۵. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۶۴.
۱۶. سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۸۸.
۱۷. صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۲۱۹.
۱۸. ذاریات: ۵۶
۱۹. رک: محمد راضی اصفهانی، مفردات، ص ۵۶۰.
۲۰. محمّدین یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۳، صص ۱۲۹-۱۲۶.
۲۱. همان
۲۲. به نقل از: نگاهی کوتاه به زندگی فردی زینب کبری(س)، ص ۱۵.
۲۳. ذیح‌الله محلاتی، ریاضین الشریعه، ج ۳، ص ۷۹.

۲۴. محمد حواد منبه، بانوی شجاع زینب کبری، ص ۶۱.
۲۵. محمد باقر بیرجندی، کبریث احمر، ص ۱۶۵.
۲۶. ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۶۲.
۲۷. محسن الامین العاملی، اعیان الشیعه، ج ۳۳، ص ۱۹۱.
۲۸. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۷۹.
۲۹. عبدالحمین دستغیب، زندگانی حضرت زینب، ص ۱۹.
۳۰. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵.
۳۱. رک: دکتر حاسی (رئیس وقت دانشگاه آزاد اسلامی)، پیام به هدایش حجاب، پوشش و آراستگی.
۳۲. نورالدین حائری جزائری، الخصائص الزینیه، ج ۳، ۱۳۶۲.
۳۳. هاشم رسولی محلاتی، زندگانی فاطمه زهرا (س) و زینب (س)، ص ۳۶.
۳۴. اعراف: ۲۶.
۳۵. نور: ۳۱.
۳۶. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۴.
۳۷. عایشه بنت الشاطی، زینب (س) بانوی قهرمان کربلا، ص ۱۰۵.
۳۸. محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل شوری، ج ۷، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.
۳۹. بقره: ۱۵۷.
۴۰. الموفقین احمد بن الداککی الخوارزمی، مناهج، ص ۱۱۸.
۴۱. نهج الفصاحه، ص ۵۸، ج ۲۹۹.
۴۲. تفسیر و نقد و تحلیل شوری، ج ۶، ص ۲۲.
۴۳. ابوالحسن شعرانی، نفس المصوم، ص ۳۶۷.
۴۴. محمد بن حسن المهر العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۱.
۴۵. حسین علوی مهر، احصرت زینب (س) ۱، اسناد ارزش ها، مجله پزشکی کوثر، ش ۶، ص ۷۱، به نقل از: پایگاه اطلاع رسانی حوزه نت.
۴۶. احزاب: ۳۹.

فهرست منابع

به قرآن کریم

- به تصحیح ابیلائے، ترجمه محمد دشتی، تهران، مؤسسه فرهنگی نشر رامین، ۱۳۷۹.
۱. بنت الشاطلی، عایشه، *ترتیب بانوی قهرمان کربلا*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۴.
 ۲. بیرحندی، محمد، *مقر، کبریث احمر، قم، صبح پیروزی*، ۱۳۸۵.
 ۳. پاینده، ابوالقاسم (گردآورنده)، *تصحیح الفصاحه*، اصفهان، خاتم الانبیاء، ۱۳۸۵.
 ۴. جعفری، محمدتقی، *تفسیر نقد و تحلیل شعری*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
 ۵. حائری جزایری، نورالدین، *الخصائص القرآنیة*، قم، انتشارات حضرت مهدی (عج)، ۱۳۶۲.
 ۶. المحرر الداملی، محمدبن حسن، *وسایل الشیخه*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۲.
 ۷. خلیل حیران، حیران، *الشک و لیکنه*، ترجمه مهدی سرحدی، تهران، انتشارات کلیدر، ۱۳۸۶.
 ۸. حبیبی، روح الله، *صحیفه نور*، تهران، انتشارات سازمان اسناد و مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.
 ۹. الخوارزمی، الموفق بن احمد بن المذکبی، *منهاج*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۲.
 ۱۰. دستغیب، عبدالحسین، *زندگانی حضرت زینب (س)*، تهران، ناس، ۱۳۶۸.
 ۱۱. راضب اصفهانی، محمد، *مفردات*، قم، المكتبة المرتضویة لاحیاء آثار الجعفریة، ۱۳۸۷.
 ۱۲. رسولی محلاتی، هاشم، *زندگانی فاطمه زهرا (س) و زینب (س)*، تهران، علمیه اسلامیة، ۱۳۶۶.
 ۱۳. _____، *نگاهی کوتاه به زندگانی فردی زینب کبری (س)*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
 ۱۴. سامانی، عمان، *گنجینه اسرار و قصائد عمان سامانی به ضمیمه اشعار و حدیث کرمشاهی*، قم، نشر نهاوندی، ۱۳۸۲.
 ۱۵. شعرانی، ابوالحسن، *نفس المصوم*، قم، هجرت، [بی نا].
 ۱۶. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان*، قم، دارالعلم، ۱۳۶۲.
 ۱۷. الداملی، محسن الامین، *اعیان الشیخه*، به کوشش حسن الامین، دمشق، [بی نا]، ۱۹۲۵.
 ۱۸. قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار*، [بی جا]، کتابفروشی جعفری، ۱۳۸۵.
 ۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، اسوه، ۱۳۸۶.
 ۲۰. مامقانی، عبدالله، *تفیح المقال فی علم الرجال*، نجف اشرف، مطبعة المرتضویة، ۱۳۵۲.
 ۲۱. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، قم، مؤسسه الفرقا، ۱۶۰۳.
 ۲۲. محلاتی، ذبیح الله، *ریاحین الشریعه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹.
 ۲۳. مغنیه، محمدجواد، *بانوی شجاع زینب کبری (س)*، ترجمه احمد صادق اردستانی، تهران، خزر، [بی نا].
 ۲۴. مولوی، حلال الدین محمد، *شعری معنوی*، تهران، نگاه، ۱۳۷۸.

بایگاه‌های اطلاع‌رسانی

۱. حسین علوی مهر، محصرت زنبی(س)، پاسدار ارزش‌ها، مجله پزشکی کوثر، ش ۱۶، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نت (www.hawzah.net).
۲. زارعی، محبوبه، چهره زن در شعر انقلاب، پایگاه اطلاع‌رسانی باشگاه اندیشه (www.bashgah.net).
۳. نساحی‌زواره، اسماعیل، شمه‌ای از کمالات معنوی محصرت زنبی(س)، پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان (www.tebyan.net).

